



کودکان کار به کودکان کارگری گفته می شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می شوند، به طوری که این امر آن ها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می سازد و سلامت روحی و جسمی آن ها را تهدید می کند.

کودکان کار براساس دو فاکتور به صورت رسمی در کشورهای مختلف تعریف می گردند:

نوع کار و حداقل سن مناسب برای آن کار. عموماً به کودکی یک کودک کار گفته می شود که مشغول به فعالیتی باشد که برای سلامت فیزیکی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و شخصیتی کودک مضر باشد و با تحصیل کودک تداخل پیدا کند. سن مناسب برای هر شغل و کاری بر اساس آثار آن کار بر سلامت و رشد کودک تعیین می گردد. بر این اساس، قرارداد شماره ۱۳۸ سازمان بین المللی کار برای مشاغل مختلف یک حداقل سن را تعیین کرده که اگر کودکی که سنش پایین تر از این سن است مشغول به فعالیت در آن شغل باشد، آن کودک یک کودک کار در نظر گرفته می شود.

این سنین عبارتند از: ۱۸ سال برای مشاغل پر خطر (مشاغلی که سلامت جسمی، روانی یا اخلاقی کودک را به خطر می اندازند)، ۱۳-۱۵ سال برای مشاغل سبک (مشاغلی که سلامت و امنیت کودک را تهدید نمی کنند و کودک را از تحصیل باز نمی دارند)، البته سن ۱۲-۱۴ سال ممکن است که تحت شرایط خاصی در کشورهای فقیر پذیرفتنی باشد. بر اساس تعریف دیگری که توسط برنامه اطلاعات آماری و نظارت بر کودک کار در سازمان بین المللی کار ارائه شده است، فردی کودک کار نامیده می شود که مشغول به یک فعالیت اقتصادی باشد و سنش کمتر از ۱۲ سال باشد و یک ساعت در هفته یا بیشتر کار کند، یا سنش ۱۴ سال یا کمتر باشد و حداقل ۱۴ ساعت

در هفته کار کند، یا سنش ۱۴ سال یا کمتر باشد و حداقل یک ساعت در هفته در یکی از مشاغل پر خطر مشغول به کار باشد، یا سنش ۱۷ سال یا کمتر باشد و در مشاغل «بدترین شکل‌های کار کودکان» مشغول به کار باشد. کار کودکان بسیار معمول است و می‌تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی‌گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد. ناپذیرفتنی‌ترین شکل‌های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن‌فروشی کودکان است. موارد کمتر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت‌ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و هم‌چنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان می‌باشد.



کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشت اما با آغاز سوادآموزی همگانی و تغییراتی که در شرایط کار طی صنعتی شدن به وجود آمد و ظهور مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت. کار کودکان هم‌چنان در جاهایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد.

بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO)، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی می‌شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آن‌ها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند. ۶۱ درصد

این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. قاچاق انسان از راه‌های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. به جز کارگری برده‌وار، روسپی‌گری و فروش اعضای بدن کودکان، از دیگر سرنوشت‌های کودکان قاچاق است.

کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیتی استثماري تلقی می‌شود.



عوامل اثرگذار

موضوع کودکان کار موضوع نسبتاً پیچیده‌ای است و عوامل گوناگونی در آن اثرگذار هستند. از جمله:

- ساختار خانواده
- فقر، البته رابطه فقر و کار کودک به سادگی قابل تبیین نیست. مطالعات اخیر نشان می‌دهند که احتمال فرستادن کودکان به سر کار به جای مدرسه توسط خانوار با افزایش ثروت تولیدی خانوار، وقتی ثروت کم یا زیاد است، کاهش می‌یابد اما در میانه‌های ثروت این احتمال افزایش می‌یابد.
- تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ و ... (که منجر به مهاجرت به کشورهای همسایه برای کار با دستمزد بیشتر می‌شود)
- هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست و کیفیت پایین مدارس و معلمان؛ کودکان در طول دوره تحصیل برای خانوار فقط هزینه دارند و زمانی این هزینه‌ها جبران می‌شود که بعد از اتمام تحصیلات مشغول به کار شوند. بعضی از خانوارهایی که در منطقه‌ای زندگی می‌کنند که در آن کیفیت آموزش پایین است به این مساله فکر می‌کنند که به علت کیفیت پایین آموزش، فرزند آن‌ها در آینده توانایی رقابت با کودکان دیگر که در مدارس با کیفیت درس می‌خوانند را ندارد، در نتیجه امکان جبران هزینه‌های تحصیل کودک

- در آینده وجود ندارد. در نتیجه تحصیل کودک صرفاً اتلاف عمر کودک و منابع مالی خانوار است. در چنین شرایطی خانوار تصمیم می گیرد که کودک خود را به سر کار بفرستد.
- شوک های اقتصادی و غیر اقتصادی که درآمد خانوارها را تحت تأثیر قرار می دهند. توجه شود که شوک های منفی لزوماً منجر به افزایش کودک کار نمی گردند، و هم چنین شوک های مثبت نیز لزوماً منجر به کاهش کودک کار نمی گردند.
- ناکارایی و نقص بازارهای مالی و اعتباری؛ در کشورهای توسعه یافته که بازارهای مالی و اعتباری از نقص کمتری برخوردار هستند، خانوارهای نیازمند می توانند وام های بلند مدت دریافت کنند و با آن وام فرزندان خود را به مدرسه بفرستند به جای آن که به علت نیاز مالی آن ها را به سر کار بفرستند. این وام در نهایت توسط خود فرزندان بعد از اتمام تحصیلات و ورود به بازار کار بازپرداخت می شود.
- نگرش های غلط فرهنگی و قومی؛ به عنوان مثال بعضی از فرهنگ ها اعتقاد دارند که پسر باید کار کند تا مرد شود، یا دختر نیازی به تحصیل ندارد چون باید زود ازدواج کند و در نتیجه به جای تحصیل در مدرسه کارهای خانه را انجام می دهد تا برای ازواج آماده شود.
- جهانی سازی و تجارت جهانی؛ عموماً گسترش تجارت جهانی می تواند منجر به افزایش کودک کار در کشورهای کمتر توسعه یافته شود. گسترش تجارت تقاضا برای کالاهایی که این کشورها تولید می کنند و در تولید آن مزیت نسبی دارند را افزایش می دهد. این کشورها عموماً کالاهایی را تولید می کنند که تولیدشان به تخصص و مهارت کمی نیاز دارد (مانند تولید محصولات کشاورزی، معدنی، فرش، صنایع دستی ...). افزایش تقاضا برای این کالاها منجر به افزایش تولید آن ها می شود، و برای افزایش تولید کالا، تقاضا برای نیروی کار کم مهارت بالا می رود، در نتیجه تقاضا برای استفاده از کودکان در فرایند تولید بیشتر می گردد، زیرا کودکان ارزان ترین نیروی کار کم مهارت در دسترس هستند.

تهیه کننده: روابط عمومی موسسه خیریه نیکوکاران راز / بهار 99

منبع : ویکی پدیا



نفس کشیدن سندی برای زنده بودن،
و هم نفسی، دلیل ادامه زندگی ست.
دی دی، حامی راز

DiDi_Water
www.didiwater.com
info@didewater.com

razcharity
www.razcharity.com
info@razcharity.com



۴۰۶۲۵

موسسه خیریه نیکوکاران راز
غیر دولتی، غیر انتفاعی، غیر سیاسی و داوطلبانه